



**سمیه کاظمی حسونند**  
نویسنده

**اخبار کتاب**

**چوب جادویی نویسنده**

هنر و مفهوم سادگی ارتباط پیچیده‌ای با هم دارند. این قاعده در تمامی هنرها از جمله نقاشی، مجسمه‌سازی، نوشتن داستان و... وجود دارد. در دنیای داستان و داستان‌نویسی نویسندگانی مانند ارنست همینگوی و جیوف به این رابطه مهم پی برده‌اند. آنها با زبردستی عنصر سادگی را به خوبی و کاملاً حرفه‌ای در متن‌ها و داستان‌هایشان به کار گرفته‌اند. همینگوی نام نظریه خود را تئوری آیسبرگ یا کوه یخ نامیده بود. او اعتقاد داشت در داستان، وقایع داستانی مانند کوه یخی شناور در آب هستند که فقط یک هشتم آن قابل رویت است و بقیه آن در تاریکی زیر آب پنهان است. در واقع نویسنده اطلاعاتی را در داستان می‌نچاند که در روند قصه و روایت، وجود آنها ضروری است و به همین خاطر، تمام اطلاعات زائد و اضافی حذف می‌شوند. توصیفات که در داستان، اضافی هستند و هیچ دردی از قصه را دو نمی‌کنند؛ در نتیجه این توصیفات اضافه حذف می‌شوند و این همان چوب جادویی همینگوی است. چوب جادویی که فقط مختص اوست. در نثر او هیچ خبری از تکلف و جملات پرطمطراق نیست. هر چند شاید بتوان گفت در نگاه اول، این نثر، روزنامه‌ای و سطحی به نظر برسد اما خود همینگوی جایی به این موضوع پاسخ داده است. او جایی در ستایش سادگی می‌گوید: عالی‌ترین تلاش یک نویسنده این است که بتواند آن چیزی را که به درستی حس می‌کند؛ بیان کند. من به‌خاص نویسی علاقه‌ای ندارم و عام نویسی را ترجیح می‌دهم. اگر برای اکثریت مردم، نویسنده باشم بیشتر به معنای نویسندگی نزدیک هستم تا اینکه برای اقلیت طبقات جامعه، پیچیده بنویسم. من از نوشتن کلمات دیرفهم و به اصطلاح شکسپیری ناتوان نیستم اما فکر نکنم ساده نوشتن هم کار راحتی باشد. این‌عام‌نویسی به معنای مبتذل و سطحی بودن متن نیست بلکه به معنای فرگیر بودن مخاطب برای آن است. تعداد حداکثری افرادی که می‌توانند با یک متن ارتباط برقرار کنند، آن را بخوانند و آن را دوست داشته باشند.

این ساده‌نویسی در زمان پیرمرد و دریا به اوج می‌رسد و جالب است که بسیاری از صاحب‌نظران این رمان را شاهکار بی‌رقیب همینگوی می‌دانند. در این رمان همه چیز از طرح رمان تا ساختار جملات، زبان و... بر مدار سادگی می‌چرخد. طرح رمان درباره پیرمرد ماهیگیری به نام سالتی‌گو است که هشتاد و چهار روز ماهی نگرفته. او آن قدر بدشانس است که پدر و مادر شاگردش مائولین او را از همراهی با پیرمرد منع کرده‌اند و به او گفته‌اند بهتر است با ماهی‌گیر خوش‌شانس‌تری به دریا برود و... فقط کسی مانند همینگوی از این طرح ساده یک شاهکار می‌تراشد. شاهکار بی‌رقیبی که برای ابد در ناخودآگاه بشریت خواهد ماند. زبان این رمان به همین سادگی و خوش‌خوانی است. در داستان‌های او عموماً جملات کوتاه و چکشی هستند. متن به‌دور از هرگونه تکلف و زبان‌بازی جملوی رود و مخاطب را همراه خودش به ساحل دریای برد جایی که شیرهای آفریقایی با هم بازی می‌کنند. مخاطب با پیرمرد روی صندلی‌های حصیری می‌نشیند و با او قهوه می‌نوشد.

جایی در رمان پیرمرد و دریا آمده است: چیزی نگذشت که به خواب رفت و خواب آفریقا را دید. زمانی که پسر بچه بود و به ساحل‌های سفید چشم می‌دوخت. به پرتگاه‌های بلند به کوه‌های بزرگ قهوه‌ای. اکنون هر شب در ساحل زندگی می‌کرد و در خواب‌هایش غرش امواج را می‌شنید و قایق‌های بومی‌رانی دید که در میان امواج پیش می‌آمدند. بوی قیر و چوب بلوط عرشه کشتی را در خواب می‌شنید و بوی آفریقا را که با نسیم صبح از خشکی می‌آمد.

جالب است که طبق تحقیقات و بررسی‌هایی که روی داستان‌های همینگوی شده است؛ دایره لغات این نویسنده بزرگ در داستان‌هایش حدود هفتصد کلمه است. هفتصد کلمه برابر است با خزانه لغات یک نوجوان آمریکایی که در سطح متوسطه تحصیل می‌کند. همینگوی به شدت از بزرگوئی و تکلف در داستان‌هایش پارس است و این همان شعبده بازی همینگوی است. بله! استاد، نظریه آیسبرگ را به درستی مطرح کرده است. در تمام آثار همینگوی این قانون رعایت شده است و در پیرمرد و دریا به اوج خودش می‌رسد. و این نوع همینگوی را در نوشتن داستان‌هایی نشان می‌دهد که بسیار ساده به نظر می‌رسند. در بقیه آثار او از جمله خوشبختی‌همچنان می‌دمد، دوغ با اسلحه، تپه‌های سبز آفریقا، در امتداد رودخانه به سمت درخت‌ها و... هم این نبوغ عجیب به چشم می‌آید. اما نکته بسیار مهم این است که این سادگی در نوشتن، سادگی قابل تقلیدی نبود. در واقع می‌توان گفت سهل‌متنع است! سهل‌متنع یعنی ظاهری ساده اما زمانی که کسی بخواند آن را تقلید کند بسیار ناممکن است. شاید بهترین توصیف از این سهل‌متنع ساده ناممکن باشد. این سادگی ظاهری، بسیاری از نویسندگان را بر آن داشت تا از همینگوی تقلید کنند. اما در نهایت کسی نمی‌توانست مقلد خوبی باشد گویا چوب جادویی فقط در دست خود استاد بوده کس دیگری!

**یکشنبه**

۱۳۰۳/۱۱/۲۸  
۱۷ شعبان ۱۴۲۵ / ۱۶ فوریه ۲۰۲۵

سال هشتم  
شماره ۲۴۷

armanmeli.ir



**ادبیات**

۷

«آرمان ملی» از وضعیت کاغذ و کار مطبوعاتی گزارش می‌دهد

# گرانی کاغذ و کار دشوار مطبوعات



« قیمت روز کالاهای منتخب (قیمت‌ها قیمت‌های بعدی می‌باشد) »

ردیف	نوع کاغذ	اندازه	گرماز	برند	قیمت	واحد	هفتگی	ماهانه
1	کاغذ تحریر	70*100	70	اندونری	15,500,000	بند	↑	↑
2	کاغذ تحریر	60*90	70	اندونری	12,300,000	بند	↑	↑
3	کاغذ تحریر	70*100	80	اندونری	17,500,000	بند	↑	↑
4	کاغذ تحریر	60*90	80	اندونری	13,500,000	بند	↑	↑
5	کاغذ تحریر	70*100	100	اندونری	28,000,000	بند	↑	↑
6	کاغذ تحریر	60*90	100	اندونری	21,000,000	بند	↑	↑
7	کاغذ روزنامه	عرض 70	45	روسی (نقره ای)	465,000	کیلو گرم	↑	↑
8	کاغذ روزنامه	عرض 100	45	روسی (نقره ای)	475,000	کیلو گرم	↑	↑
9	کاغذ کرافت	70*100	300	سوندی				
10	کاغذ کرافت	70*100	130	برنسی		کیلو گرم		
11	کاغذ گلاسه	70*100	90	نویا		کیلو گرم	↑	
12	کاغذ گلاسه	70*100	128	نویا	780,000	کیلو گرم	↑	
13	کاغذ گلاسه	70*100	250	نویا	795,000	کیلو گرم	↑	
14	کاغذ گلاسه	70*100	300	نویا	795,000	کیلو گرم	↑	
15	کاغذ گلاسه	70*100	200	نویا	785,000	کیلو گرم	↑	

**آرمان ملی - هادی حسینی نژاد:** از زمانی که دولت چهاردهم کار را آغاز کرده است، هر روز شاهد پیچیده‌تر شدن شرایط اقتصاد هستیم و شهروندان تمام تلاش خود را به کار بسته‌اند تا بتوانند خود را با شتاب زندگی هماهنگ کنند. با این همه گاهی تلاش‌ها با سرعت تغییرات هماهنگ نیست و نتیجه مورد نظر به دست نمی‌آید. در کنار افزایش قیمت غذای، مسکن و هزینه‌های مربوط به درمان، برای اهالی مطبوعات، قیمت کاغذ و خدمات مربوط به چاپ اهمیت خاصی دارد و تقریباً تمام مطبوعات خبری و تحلیلی تحت تاثیر واقعیت‌های مربوط به افزایش قیمت کاغذ قرار گرفته‌اند. ناشران کتاب هم تقریباً همین وضعیت را دارد. با همه اینها گران کردن قیمت تمام شده محصولات فرهنگی همیشه آخرین گزینه‌ای است که به ذهن فعالان این عرصه خطور می‌کند و دلیل آن روشن است. مخاطبان روزنامه و کتاب، معمولاً از قشر متوسط جامعه محسوب می‌شوند که هر روز بار سنگین هزینه‌های زندگی را بر دوش می‌کشند. در شرایط کنونی که پایگاه‌های جدید در جامعه تضعیف شده و تیراژها کاهش ملموسی داشته و در مقابل روند افزایش قیمت کاغذ همچنان ادامه دارد، تنها راه بقا و ماندن در عرصه فرهنگ مکتوب، هماهنگی به چنین افزایش‌هایی است؛ تصمیمی که با اکراه و نگرانی اتخاذ می‌شود زیرا این آگاهی وجود دارد که دسترسی و قدرت خرید افشار فربه‌خته که معمولاً در طبقه متوسط رو به پایین قرار دارند، به دلیل فشارهای اقتصادی و گرانی اقلام مصرفی در معرض تهدید قرار دارد. این انتظار وجود داشت که حمایت‌های دولتی، با توجه به شرایط ویژه مطبوعات و روزنامه‌ها نسبت به تخصیص کاغذ اقدام کند؛ اگرچه بررسی پوشیده نیست که کلان‌معضلات در عرصه سیاسی، تشدید تحریم‌ها، افزایش باورنکردنی نرخ ارز و... این روزها کوهی از مشکلات را پیش پای مسئولان و مدیران دولتی قرار داده است.

**افزایش قیمت کاغذ**

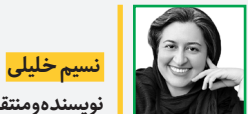
مطابق با آخرین اعلام (شنبه ۲۷ بهمن ماه) سیر افزایش قیمت کاغذ روزنامه در ماه‌های اخیر، همچنان متوقف نشده و با رشدی قابل توجه در حال بالا رفتن است. بر این اساس قیمت روز کاغذ روزنامه عرض ۷۰ سانتی متر به ۴۶۵ هزار ریال و در عرض ۱۰۰ سانتی متر به ۴۷۵ هزار ریال رسیده است. همچنین فلش‌های قرمز رنگ، موید تداوم افزایش قیمت در روزهای اخیر است و افزایش نرخ سایر اقلام و خدمات در بازار، از افزایش احتمالی قیمت‌ها در روزهای آتی خبر می‌دهد. تجربه نشان داده علاوه بر عوامل اصلی که تأثیر مستقیم بر قیمت کاغذ دارند، عوامل غیرمترقبی نظیر نگرانی از آینده و برخی سودجویی‌ها در تعیین قیمت روز اقلام سلولوزی تأثیرگذار است. آنچنانکه احمد شریفان، رئیس سابق اتحادیه فروشنندگان کاغذ و مقوای تهران و از فعالان این صنف، در این باره معتقد است: «افزایش قیمت در بازار ناشی از افزایش نرخ ارز در هفته‌های گذشته است. البته می‌توان گفت که افزایش قیمت فعلی بازار کاغذ بیشتر ناشی از نگرانی واردکنندگان و کسبه از کاهش سرمایه است.» شرایطی بی‌ثبات و آینده غیر قابل پیش‌بینی بازار باعث می‌شود تجار و کسبه،

بعضاً در فروش کاغذ به مشتریان خود، تردید کنند و همین تردیدها، نتیجه سریع و محسوس در روند افزایش قیمت خواهد داشت. مشخصاً حذف ارز نیمایی از کاغذ در ماه‌های اخیر، تأثیر

بسیاری در گرانی کاغذ و ایجاد تشنج در بازار داشت؛ تا جایی که حمید نیکدل، رئیس اتحادیه فروشنندگان کاغذ و مقوای تهران پیش‌تر در توصیف شرایط موجود، از دلزدگی تجار و واردکنندگان کاغذ به کشور خبر داد و گفت: «اکنون نه تجار

**کتاب کوچک: از فلسفه واسطوره تا نقاشی و مالیخولیا**

# نگاهی به سه کتاب از مجموعه کتاب کوچک داستان



**نسیم خلیلی**  
نویسنده و مترجم

کتاب‌هایی کوچک و باشکوه؛ این را در وصف مجموعه «کتاب کوچک»، که از سوی نشر نیلا منتشر می‌شود، می‌توان به کار برد، مجموعه‌ای فاخر که در قلمرو ادبیات، برده‌هایی از ادبیات داستانی ایران و جهان را در برمی‌گیرد با ترجمه‌هایی خوشخوان در قسط‌های کوچک که در زمینه‌ی سرخ روی جلدشان نقاشی‌هایی نقش بسته که خود کم از قصه ندارند، طرح‌هایی که اغلبشان آفرشید شیعیه کشیده است؛ از این مجموعه که زیر نظر حمید امجد و با همکاری امیر اثباتی، محمد چرم شیر، رضا والی و حسین رحیم‌پور شکل گرفته است، تاکنون حدود صد و سی عنوان منتشر شده که هر کدام جذابیت‌های خودش را دارد از آن جمله «خاطرات آدم»، اثر دل‌انگیز و زیبایی نویسنده ماجراهای تام سایور و هکلبری فین، مارک تواین، با ترجمه لیلی گلستان را می‌توان نام برد که بر مبنای سفر پیدایش کتاب مقدس نوشته شده و در واقع تک‌گویی‌ها و زندگینامه‌ی خودنوشت آدم و حواست با زبانی پرکشش و شورانگیز که «گفته می‌شود مارک تواین در آن اشارات فراوانی به زندگی خود با همسر محبوبش لیوی (الیویا) دارد.» و همین ویژگی ست که با خلق نوعی احساس همدات‌پنداری در مخاطب بر تاثیرگذاری روایت افزوده است، روایتی که در کنه خود رهیافتی فلسفی-اساطیری دارد و به راستی هم که زیباییات وقتی حوای تاریخی-اساطیری را-که اغلب در لقای دینی-آیینی درباره‌اش شنیده‌ای- در قامت زن جوان پرنشاطی ببینی که عاشق دنیاست؛ «دنیا برای او زیبایی محض است، شاهکار است، راز است، شادمانی است. وقتی گل تازه‌ای کشف می‌کند از خوشحالی زبانش بند می‌آید. آن گل را با مهربانی نوازش می‌کند. بو می‌کند. با آن حرف می‌زند و برایش اسم قشنگی انتخاب می‌کند. عاشق رنگها هم هست؛ عاشق صخره‌های سیاه، شن‌های زرد، کف‌های خاکستری، برگ‌های سبز، آسمان آبی، مزارع شبنم‌ها،

سایه بنفش کوه‌ها، جزیره‌هایی که در غروب شکوهمند آفتاب طلایی به نظر می‌رسند، ماه رنگ بریده که فر از ابرهای پرتکرار در حرکت است، نقطه‌های درخشان آسمان.» پیداست که روی این بخش از داستان خود «آدم»، آدم در آن وجه پیامبرانه و اساطیری که جامعه روزمرگی و امروزی بر تن کرده، هم چنانکه نام داستان هم همین است: «خاطرات آدم»؛ اما به نیمه‌های روایت که می‌رسی، حوا خود لب به سخن می‌گشاید، سخنانی که روایت داستان مارک تواین را به اندرزنامه‌ای شیوا و شکوهمند تبدیل می‌کند، به یک کتاب فلسفی کوچک که از چرایی آفرینش انسان حرف می‌زند، «ابتدا نمی‌دانستم چرا خلق شده‌ام، ولی حالا فکری کنم مرا برای جست‌وجو و کشف رازهای این دنیای شگفت خلق کرده‌اند، برای شادی و سپاسگزاری از آن که اینها را ساخته و در اختیارم گذاشته.» و خلاقانه‌تر آنجاست که نویسنده مونولوگ‌های حو را در روزهای بعد از هبوط نقل می‌کند و همچنان با ادبیاتی امیدبخش که او ارائه شدن از بهشت را هم منعامند می‌بیند، راهی برای بازیابی مفهوم متعالی عشق: «وقتی به گذشته نگاه میکنم باغ بهشت به نظرم یک خیال یا رویایم آید که زیبایی عجیب و شگرفی داشت. آن باغ حالا گم شده، و من دیگر آن را نخواهم دید؛ هرگز، هرگز! باغ بهشت را گم کرده‌ام. ولی نه، دوباره پیدایش کردم. بهشت بازیافتنی من اوست. من راضی و خوشحالم.» و داستان با جمله‌ای که آدم بر گوگرد حو انفر کرده است، با همین شکوه فلسفی و تأمل‌برانگیز تمام می‌شود: «هر کجا که حو بود بهشت آن جای بود.»

یکی دیگر از داستان‌های خوشخوان این مجموعه، «افسانه‌های دیکتاتور» است به قلم لئونارد و شاشا و ترجمه مهدی فتوحی بانقوشی از حیوانات بر تارک سرخ قام جلدهش؛ روایتی که داستانهای کلیله و دمنه و حربه حیوانات جرج اورول را فریاد می‌آورد از این رو که در این کتاب کوچک نیز حیوانات نقش آفرین‌اند و کتاب مشحون از قصه‌های کوتاه و اندرزنامه‌ای و گاه به طنزآمیز است. در مقدمه‌ی کتابچه و در معرفی نویسنده چنین آمده است: «آثار شاشا اغلب

بر پایه ی تحقیقاتی مستند، افشاگر سلطه ی فساد و نقوذ مافیادر سطوح مختلف جامعه به ویژه قدرت سیاسی و نظام حاکم ایستایاست. شبکه درهم‌پیچیده‌ای از روابط فاسد مالی، تبهکاری و خشونت، که در مقابل جنایات خود تنها سکوت می‌طلبد... شاشا در کنار داستان نویسی، پژوهشگری اجتماعی، و نقد ادبی، به نمایشنامه نویسی نیز پرداخته است. چندین داستانش را نیز فیلم‌سازی چون البو پتری، دامیانو دامیانی و فرانچسکو رزی به فیلم تبدیل کرده‌اند.» کتاب کوچک شاشا، مجموعه‌ای از داستانک‌های تمثیلی با نقش آفرینی حیوانات است که در پس خود آموزه‌هایی در تعامل با دیکتاتوری و قدرت ورزی در معنا تاریخ‌مندش نهفته دارند مثلاً این روایت: «گره‌ی خانگی کنار قفس قناری به دوستی که به دیدارش آمده بود می‌گفت: «باری خوش دارم او را بخورم ولی فعلاً تلاشی نمی‌کنم چون نقداً او ارزش برایم دلنشین است و هنوز اوقات ملال آور و کسالت‌مزمّن را لذیذتر می‌کنم.» یا این روایت دیگر که واجد طنز تلخ آشکاری هم هست: «الاغ طبیعی بس حساس داشت و گه‌گاه حتی ابیاتی هم می‌سرود؛ و وقتی صاحبش مرد، به نزدیکان خود می‌گفت: «دوستم می‌دانستم چون هر ضربه‌ی چوبه‌دستش در من الهام بخش قافیه‌ای بود.» روایتی که به روشنی فلسفه‌ی توطیلی از چرایی بقای استبداد را در دل خود دارد و یادآور آن کتاب «گریز از آزادی» اریک فروم است، کتابی که نویسنده در آن به مکتب‌سیسم‌های گریز از آزادی می‌پردازد در طول تاریخ و در جوامع مختلف؛ و به نظر می‌رسد شاشا نیز در این داستانک‌ها حیوانات را در جایگاه مستبدان و زیردستان برای تبیین همان مکانیسم‌ها با تعریف کرده، هرچند که افزون بر این او بسیاری از بحرانهای حیات اجتماعی را نیز با چنین دستاویز و در چنین بستری آسیب‌شناسی کرده است.

و کتابی دیگر از این مجموعه، با نام «دونا مالوا و سینیور زوزه‌فهریو»، کتابی به قلم والتر هوگو ماتی و ترجمه‌ی محمد دارابی که افزون بر اینکه قصه باشد، یک تابلوی نقاشی ست و با صوری زنده و توصیفاتی جزئی‌نگرانه که به روشنی موید

